

کودک معلول گمشده ساعت‌ها میان ۱۲۳ و ۱۱۰ پاس‌کاری شد

این داستان یک ماجرای واقعی است

سمیه جاهدعظائیان؛ پسرپچه سندرم داونی که حدود ۱۲ سال دارد، چند شب پیش کم شده است، هراسان است و آرام و قرار ندارد. به مغازه‌ها سرگ می‌کشد. هوا تاریک شده و می‌خواهد به سمت دیگری از خیابان که خودروها عبور می‌کنند، برود.

صفحه ۱۰

سرمقاله

بحثی درباره عمق راهبردی



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

«عمق راهبردی» یا «عمق استراتژیک» مفهومی است که روابط بین‌الملل از علوم و عملیات نظامی وام گرفته است. این مفهوم در امور دفاعی به سرزمینی اطلاق می‌شود که بین مراکز اصلی تجمع ادوات و پرسنل نظامی دشمن و مراکز حساس و حیاتی خودی قرار دارد. برای مثال، درحالی‌که بخش اعظم مراکز جمعیتی و صنعتی عراق در تیرس امکانات نظامی ایران است، عمق راهبردی وسیع ایران موجب شده تا بخش اعظم مراکز حساس ما از دسترس عراق دور باشد. مثال دیگر عمق راهبردی روسیه است که دلیل اصلی شکست فرانسه ناپلئونی و آلمان هیتلری در حمله به روسیه بود.

به همین ترتیب، در سطوح فراملی نیز هرچه عمق راهبردی یک کشور به شکل قراردآشتن کشورهای دوست در برابر دشمنان فرضی به‌عنوان حائل بیشتر باشد، فضا و امکان دفاع بیشتر خواهد بود. در دوره استعمار این مفهوم نظامی در ارتباط با سلسله تلاش‌هایی که توسط استعمارگران برای دفاع از قلمروهای تحت حاکمیت‌شان انجام می‌شد، کاربرد داشت. برای مثال، انگلیس خلیج فارس را بخشی از عمق راهبردی لازم برای دفاع از مستعمراتش در شبه‌قاره هند و ورای آن می‌دانست و در نزدیک به دو قرن حداکثر تلاش را برای دورنگهدآشتن دیگر قدرت‌های استعماری از خلیج فارس انجام داد. در همین رابطه، انگلیس به ایران و افغانستان نیز به‌عنوان بخشی از عمق راهبردی شبه‌قاره هند، به‌ویژه در برابر روسیه، می‌نگریست؛ عاملی که موجب شد ایران و افغانستان به مناطقی حائل و مورد نزاع بین این دو قدرت امپریالیستی تبدیل شوند. شدت رقابت روس و انگلیس در ایران تنها در دوره‌ای با هدف تمرکز بر توسعه‌طلبی‌های امپریالیستی آلمان به حال تعلیق درآمد که حاصل آن توافق ۱۹۰۷ روس و انگلیس درباره تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ بود. تشکیل «پلیس جنوب ایران» از سوی انگلیس در جریان جنگ اول جهانی یکی از نقاط اوج تلاش‌های استعماری انگلیس برای کنترل عمق راهبردی هند در جنوب ایران بود. در دوره جنگ سرد و با شروع روند استعمارزدایی، مفهوم عمق راهبردی اگر چه همچنان مدنظر قدرت‌های بزرگ باقی ماند، اما تمرکز بر ابزار نظامی برای ایجاد و حفظ آن به‌تدریج رنگ باخت و توسل به ابزار نرم مانند نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای این منظور عمده شد. اگرچه در این دوره نیز گهگاه و به‌ندرت شاهد اقدامات سخت از سوی دو ابرقدرت مانند اشغال نظامی (آذربایجان ایران و افغانستان) و کودتاهای نظامی (ایران و شیلی) و برخی جنگ‌های نیابتی در آفریقا و خاور دور برای حفظ یا ایجاد عمق راهبردی بودیم، اما به نحوی فزاینده ابزار نرم مانند تقویت و تشویق روندهایی برای استقرار دولت‌های همسو از طریق امضای پیمان‌های دوستی، ایجاد احزاب سرسپرده، نفوذهای اطلاعاتی، گماردن وابستگان در دولت‌های مستقل، خبررسانی‌های رادیویی و ایجاد رسانه‌های وابسته در کشورها مستقل … به وجه غالب تلاش قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای برای ایجاد و حفظ عمق راهبردی تبدیل شد. این روند در دوره بعد از خاتمه جنگ سرد سرعت بیشتری گرفت و تثبیت شد.

ضمن اینکه کشورها هیچ‌گاه نسبت به آنچه به‌ویژه در پشت مرزها و منطقه زیست‌شان می‌گذرد، بی‌تفاوت نبوده و نباید باشند، اما پرداختن به این امر در هر دوره‌ای اقتضانات خاص خود را دارد و ابزارها و شیوه‌های خاص خود را می‌طلبد. در شرایطی که برعکس دوره استعمار یا دوره جنگ سرد، مردم و جوامع مدنی و خروجی آن یعنی افکار عمومی به عاملی اثرگذار یا به قولی به ابرقدرت زمانه تبدیل شده‌اند، پرداختن به مقوله عمق راهبردی به ترتیبی که در دوره استعمار معمول بود، می‌تواند بسیار حساسیت‌زا و تهدیدزا باشد. هیستور ضد هندی در پاکستان که ازجمله شامل تلاش برای ایجاد عمق راهبردی در افغانستان شد و به برکشیدن طالبان انجامید، هم به اشاعه طالبانیسم در پاکستان انجامید و هم موجب ایجاد نفرت از پاکستان در بخش‌های بزرگی از مردم افغانستان شد.

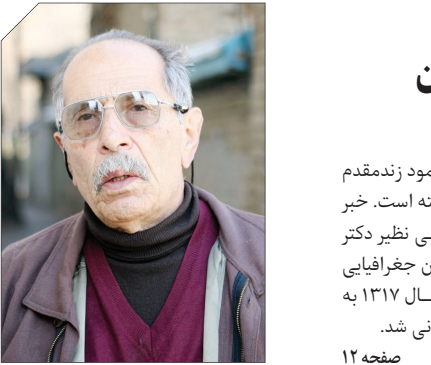
به این دلیل، کشورها به نحوی فزاینده بر آنچه می‌توان «عمق راهبردی غیرنظامی یا سیاسی» نامید، متمرکز شده‌اند. کاهش فزاینده تهدیدات نظامی از نوع کلاسیک به رواج این قرآنت از عمق راهبردی کمک کرده است. «عمق راهبردی سیاسی» با تکیه بر ابزارهای نرم گسترش می‌یابد و تلاش برای جلب دوستی ملت‌ها و دولت‌ها در منطقه و جهان از طریق تفاهم و گسترش روابط بر مبنای همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با هدف اطمینان از برقراری روابطی صلح‌آمیز و گسترش نفوذ مبتنی بر رضایت در مرکز توجه آن است. این همکاری‌ها به راهبرد اصلی در دوران کنونی برای رفع نگرانی‌های امنیتی و بی‌نیازی از تقویت نیروی نظامی در مرزها و نفوذ سخت‌افزاری در دیگر کشورها تبدیل شده است.

ادامه در صفحه ۴



سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۱ • ۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۶ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۳۹ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رابطه با اقدامات قوه قضائیه، گزارش «شرق» از قوانین تنبیهی برای کودکان بازداشت‌شده و تبعات آن در آینده و **یادداشت‌هایی از** بابک زمانی، علی نوازی



درگذشت محمودزندمقدم

راوی حکایت‌های بلوچستان آسمانی شد

روز گذشته متأسفانه باخبر شدیم که دکتر محمود زندمقدم چشم از جهان فروبسته و به دیدار حق شتافته است. خبر درگذشت او بسیار تلخ بود. قطعاً چهره‌هایی نظیر دکتر زندمقدم وقتی بار سفر می‌بندند، غم نبودن آنان جغرافیایی بزرگ از سرزمین مادری را در بر می‌گیرد. او در سال ۱۳۱۷ به دنیا آمد و روز ۱۴ آذرماه ۱۴۰۱ نیز زندگی‌اش آسمانی شد.

صفحه ۱۲

گزارش «شرق» از کالایی به نام «خانه» که به فانتزی اقتصاد تبدیل شده است

قیمت‌هایی که بی‌توجه به رکود فقط بالا می‌روند

مسکن مجنون

♦ **اطهاری: چیزی به عنوان بازار مسکن وجود ندارد ، چون خصلت بازار رقابتی بودن آن است**

♦ **بیضایی: در ثبات نرخ ارز بدون درآمد ارزی، شاهد رکود مسکن و ثبات قیمت خواهیم بود**



گفت‌وگو با آصف بیات درباره درک و تصورش از یافته‌های نو در زمینه پژوهش در باب سیاست‌ورزی تنازعی

سیاست‌ورزی مردمان عادی

سیالیت کنونی سخن‌گفتن از فرایندهای اجتماعی را سخت دشوار ساخته است

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید

سخنگوی ستاد امر به معروف: مأموریت گشت‌های امنیت اخلاقی و اجتماعی تمام شد

می‌کنند و مسئولان مختلف نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند.

او ادامه داد: به صورت کلی دارد تصمیماتی در ارتباط با عفاف و حجاب گرفته می‌شود و ان‌شاءالله در یک چارچوب نوین‌تر، با استفاده از تکنولوژی‌هایی که در این زمینه هست و با فضایی که یک‌طرفه نباشد، انجام شود.

خبر

سخنگوی ستاد امر به معروف: مأموریت گشت‌های امنیت اخلاقی و اجتماعی تمام شد

خان‌محمدی ادامه داد: اما گشت‌های امنیت اخلاقی و اجتماعی به برقرار بوده با دستور دادستانی و مرجع قضائی توسط فراجا انجام می‌شده و الان مأموریتش تمام شده است. اینکه بخواهد با چه شیوه‌ای باشد، قطعاً درمورد بودن یا نبودن اینها در سطح اجتماع، مسئولان مختلف باید تصمیم بگیرند و جمع‌بندی کنند.

یادداشت

همایش ملی مسئولیت اجرائی قانون اساسی



نعمت احمدی

حقوق‌دان

همایشی در سالن اجلاس سران در روز شنبه، ۱۲ آذرماه، تحت عنوان «همایش ملی مسئولیت اجرای قانون اساسی» برگزار شد. در این همایش آقای رئیس‌جمهور قانون اساسی را تضمین‌کننده حقوق اساسی و آزادی‌های مشروع در کشور دانستند و درنهایت گفتند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ بن‌بستی ندارد و تضمین‌کننده جمهوریت و اسلامیت و تبلور و تجسم انقلاب اسلامی است و بر این نکته تأکید کردند که یک حقوق‌دان آفریقایی به من گفت که مرتقی‌ترین قانون اساسی دنیا برای ایران است؛ چراکه توانستید در قانون اساسی خودتان بین آرمان و دموکراسی جمع کنید. به باور رئیس‌جمهور، اصول قانون اساسی تغییرناپذیر ولی روش‌های اجرای آن تغییرپذیر هستند و قانون اساسی ایران هیچ بن‌بستی ندارد. رئیس مجلس هم قانون اساسی ما را قانونی مترقی و از لحاظ مشکلات در ابعاد مادی و معنوی دانست و درمورد اصلاح یا تغییر قانون اساسی گفتند آنچه به آن نیاز داریم، تغییر در نگاه به قانون اساسی و اجرای آن است، نه تغییر در خود قانون اساسی. این نوع نگاه به قانون اساسی یعنی قداست بخشیدن به قانون اساسی کشور نگاه قابل دفاعی به قانون اساسی نیست. آنچه تغییرناپذیر است، قوانین الهی است. قوانینی که به دست بشر تصویب می‌شوند، امکان تغییر اصلاح و بازنگری دارند و این تفاوت در قوانین الهی و قانون مصوب بشریت مسئله تازه‌ای نیست، قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۵۸ تصویب شد و بعد از ۱۰ سال از اجرای آن مسئولین کشوری متوجه شدند که قانون نیاز به بازنگری دارد. نگاه قدسی به قانون اساسی سابقه‌های طولانی دارد. مدونین اولیه قانون اساسی یعنی خبرگان قانون اساسی در سال ۵۸ هم دچار این نوع برداشت از قانون اساسی بودند که متنی لایتغیر را

تهیه و تصویب کرده‌اند و به همین اعتبار اصلی به بازنگری قانون اساسی اختصاص ندادند. وقتی در عمل در اجرای قانون اساسی با مشکل روبه‌رو شدیم و راه‌حلی هم برای تغییر یا اصلاح در نظر گرفته نشده بود، حضرت امام از اختیارات خود استفاده کرده و هیئتی را برای بازنگری قانون اساسی تشکیل دادند، بدون اینکه در متن قانون راهکار بازنگری در نظر گرفته شود؛ اما نگاه عمیق و کلان‌نگر حضرت امام هبنت و شورای بازنگری را تشکیل دادند. قانون اساسی اولیه در ۱۲ فصل مشتمل بر ۱۷۵ اصل تنظیم شده بود. حضرت امام در تاریخ چهارم اردیبهشت سال ۱۳۶۸ دستور تشکیل شورای بازنگری را صادر کردند. اصلاحات و تغییرات و متمیم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ در ۴۸ اصل مدون و چند تصمیم و توضیح در جلسات مورخ هفدهم تا بیستم تیرماه ۱۳۶۸ به طور نهایی بررسی و تدوین شد و در چهل‌ویکمین اجلاس خود به تصویب نهایی رسانند و آیت‌الله خامنه‌ای که بعد از رحلت امام به رهبری انتخاب شده بود، تغییرات را تأیید و امضا کرد. و جهت همه‌پرسی طی فرمان مورخ ۱۳۵۸/۴/۲۸ به دولت ابلاغ کردند. شورای بازنگری که در زمان حیات امام تشکیل و شروع به کار کرده بود، یک‌ماه‌ونیم بعد از رحلت و در آغاز رهبری آیت‌الله خامنه‌ای کار بازنگری را تمام و متن بازنگری‌شده را به همه‌پرسی گذاشتند. اصول قانون بازنگری‌شده هم تغییر پیدا کرد، هم اصلاح شد و هم دو اصل به آن اضافه شد. دو اصلی که بنا به ضرورت قبل از اضافه‌شدن به قانون اساسی عملاً به اجرا گذاشته شده بود. نخست‌تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام وقتی بین مجلس و شورای نگهبان درمورد انطباق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی اختلاف می‌افتاد و مجلس در مقابل شورای نگهبان یا شورای نگهبان در مقابل مجلس مقاومت می‌کردند، مصوبه جنبه قانونی پیدا نمی‌کرد. رئیس وقت مجلس مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی برای برون‌رفت از وضع پیش‌آمده درمورد مصوبات اختلافی از امام (ره) چاره‌جویی کردند که دستور تشکیل کارگروهی داده شد که در اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، مصلحت نظام را در نظر بگیرد و به همین اعتبار اسم این کارگروه شد مجمع

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

به هوا نیاز داریم، هوا*!



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

«دولتمردی که تلاش می‌کند افراد را به‌نحوی جهت دهد تا سرمایه‌های خود را به گونه‌ای که دلخواه اوست به کار گیرند، نه فقط توجه خودش را به غیرضروری‌ترین موضوع معطوف می‌کند، بلکه فرض می‌کند که بی‌هیچ شورا و سنایی همواره مورد اعتماد است و ممکن نیست این امکان در دستان کسی قرار گیرد که نابخردی پیشه کرده و مورد تمسخر قرار گیرد.»

«آدام اسمیت»

کار یکدست‌کردن قدرت قدری فراتر رفته و به یکدست‌کردن نهادهایی رسیده است که نصفه‌نیمه استقلالی داشته و خواست‌ها و مطالبات بخش‌هایی از جامعه را نمایندگی می‌کنند. چنان‌که در حوزه اقتصادی نهادها و تشکل‌های بخش خصوصی با فشارهای پیدا و پنهانی مواجه هستند که کار را برای این نهادها بیش از پیش مشکل می‌کند. این فشارها علاوه بر دردهای مزمن تأمین هزینه‌ها و انسجام تشکیلاتی و رقابت‌های ناسالمی درونی این نهادهاست. به این مشکلات باید شرایط حاد فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی کشور را افزود که بنای این تشکل‌ها بر پایه عضوگیری از همین بنگاه‌های خصوصی است. سختی‌هایی همچون کمبود منابع مالی و سرمایه در گردش و تبعات ناشی از تحریم‌های بین‌المللی از جمله کمبود و گرانی هر روزه مواد اولیه و ارز و محدودشدن بازارها و… همچنین بی‌ثباتی سیاست‌های کلان و مداخلات دولت و… درواقع بخش خصوصی کشور اکنون از همه‌سو با محدودیت‌های بسیاری مواجه است. در این میان باید به فشارها به اتاق بازرگانی اشاره کرد؛ نهادی با قدمتی حدود یک‌ونیم قرن و دارای نقشی مهم در تغییر گفتمان اقتصادی و اجتماعی جامعه. نهادی که از توفان حوادث تاریخی و به‌ویژه وقایع اوایل انقلاب و چپ‌زدگی شدید و «اقدام باید شود»ها و «منحل باید شود»ها جان سالم به در برده و توانسته با ارائه خدمات قابل قبول به اعضای خود و جامعه سبب خیر عمومی شود و با طرح دیدگاه‌های علمی و دلسوزانه در عرصه عمومی و کاهش تضادهای کاذب طبقاتی و دشمن‌سازی بخش‌های مختلف جامعه (سرمایه‌دار و مردم، کارگر و کارفرما و…) بنای هم‌زیستی و همکاری اجتماعی را ممکن کند؛ اما این نهاد اکنون از یک سو هر روز مورد اتهاماتی درباره حیف‌ومیل و سوءاستفاده مالی از سوی برخی تریبون‌های داخلی و نیز دستگاه‌های تبلیغاتی چپ‌های خارج از کشور قرار می‌گیرد و از سوی دیگر موضوع تغییر قانون تشکیل این نهاد بزرگ و تبدیل آن به یک نهاد زیرمجموعه دولت طرح می‌شود. بدیهی است نه بخش خصوصی و نه تشکل‌های آن و از جمله اتاق‌های بازرگانی از اشتباه و خطا مبرا نیستند.

ادامه در صفحه ۱۱